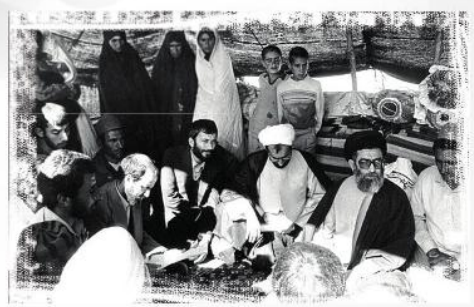


مهدی فضایی

رهبری که بی پایان شد



موجب شد ذهنیت اعضاء که قبل از این هم نسبت به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مثبت بود تقویت شود. پس از این مرحله، اگرچه به لحاظ قانونی، تکلیف رهبری نظام روشن شده بود و آحاد مردم نیز از این انتخاب استقبال کردند و هر روز گروه گروه با حضور در حسینیه امام خمینی (ره) با رهبر جدید بیعت می‌کردند، اما ماجرا به این‌جا ختم نمی‌شد و رهبر ۵۰ ساله (آن موقع) با موانع و محدودیت‌هایی روبرو بود. موانع و محدودیت‌هایی که پشت سر گذاشتن آن‌ها جز با شرح صدر، درایت و هوشمندی، تقوا و اتکال به خدای بزرگ ممکن نمی‌شد. شاید مهم‌ترین عامل محدودیت‌ساز برای رهبر جدید انقلاب اسلامی، قرار گرفتن بر مسندی بود که پیش از این، شخصیتی بی‌نظیر و غیر قابل رقابت مثل «روح‌الله الموسوی‌الخمينی» آن را عهده‌دار بود. رهبری که بزرگ‌ترین رویداد قرن را به وجود آورده بود و نظام ستمشاهی با پیشینه ۲۵۰۰ ساله را سرنگون کرده و دو ابرقدرت شرق و غرب را با اندیشه الهی خویش به چالش کشانده بود. مرجعی طراز اول که در عرفان و فلسفه و تفسیر نیز دستی قوی داشت و بزرگان حوزه، کم‌تر قدرت عرض اندام در برابر او داشتند. شخصیتی که طی بیش از ۳ دهه قبل و بعد از پیروزی انقلاب به‌تدریج از «حاج آقا روح‌الله» به «حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی» تبدیل شده بود و دل میلیون‌ها ایرانی و غیر ایرانی را تسخیر کرده بود.

رهبری ۸۸ ساله که شاگردان تربیت شده به دست وی از جمله آیت‌الله خامنه‌ای، هر یک مبلغی بزرگ

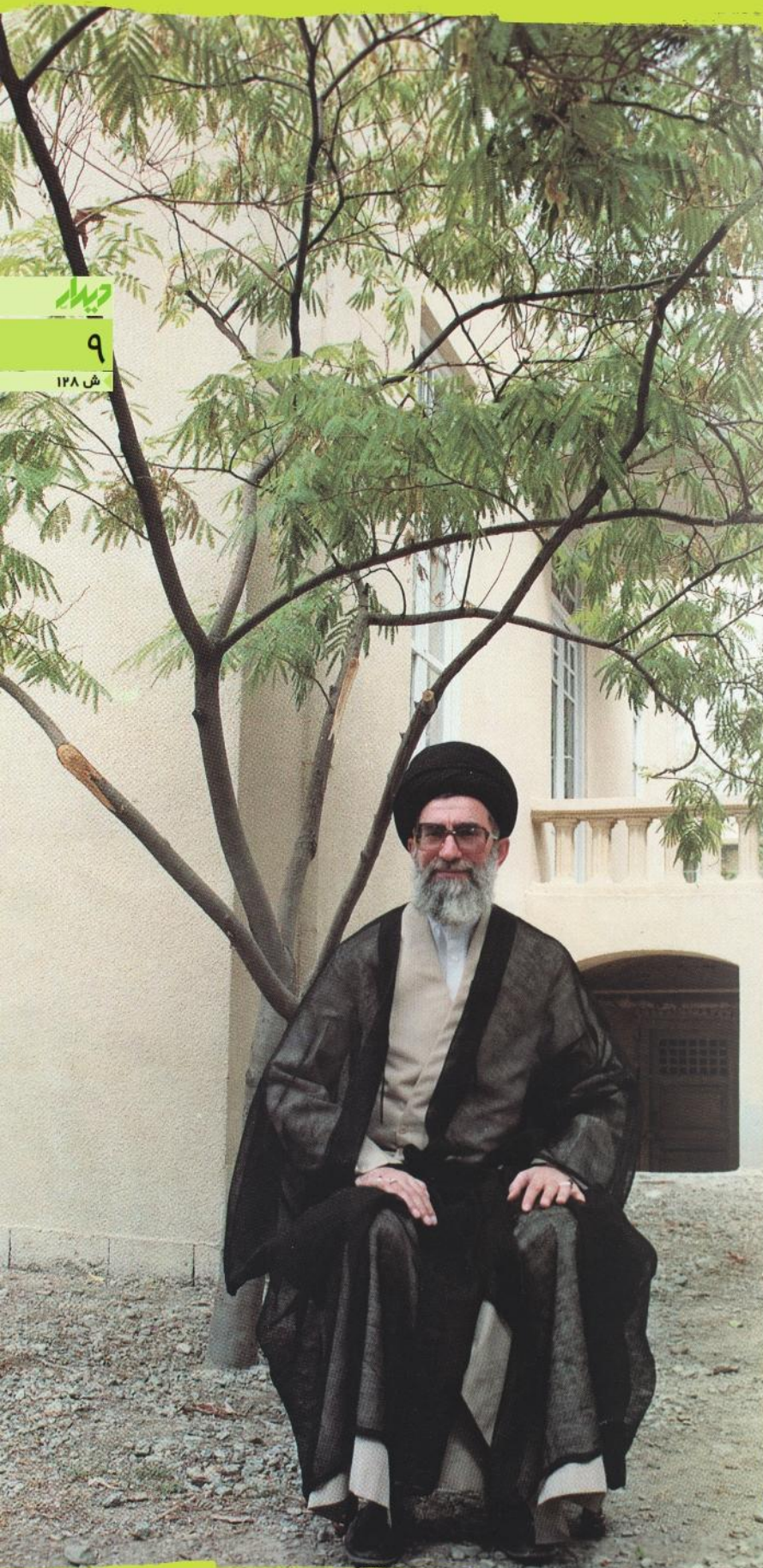
زمانی که روح خدا به خدا پیوست، دلبستگان به انقلاب اسلامی در داخل و آن سوی مرزها، نه تنها اندوهگین که بشدت نگران بودند و همان دغدغه‌ای را داشتند که اوایل پیروزی انقلاب اسلامی مجلس خبرگان را واداشت که آقای منتظری را به قائم‌مقامی امام خمینی (ره) برگزیند؛ البته سال‌ها بعد، یعنی در فروردین سال ۶۸ و در واپسین روزهای حیات امام، ایشان ناراضی‌تری خود را از آن انتخاب اعلام نموده و در نامه تاریخی خود، خطاب به آقای منتظری نوشتند: «من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم، ولی خبرگان به این نتیجه رسیده بودند و من هم نمی‌خواستم در محدوده قانونی آن‌ها دخالت کنم.»

سایه این دغدغه بار دیگر در خرداد ۶۸ و هم‌زمان با وخامت حال بنیانگذار انقلاب اسلامی بر کشور سنگینی کرد.

اما دیری نپایید و مجلس خبرگان رهبری، این آزمون سخت و تاریخی خود را با موفقیت پشت‌سر گذاشت و تنها چند ساعت پس از ارتحال امام (ره) و در شرایطی که به‌خصوص تحلیلگران خارجی، جدال مسئولان ایران بر سر قدرت را پیش‌بینی می‌کردند، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را برای تداوم بخشیدن به راه امام برگزید. انتخابی که خود امام بیش‌ترین نقش را در آن داشتند. چراکه از مدتی قبل و در چند مناسبت از جمله پس از عزل آقای منتظری، امام راحل به شایستگی و لیاقت ایشان برای این مسئولیت تصریح کرده بودند.

شهادت عده‌ای از اعضای مجلس خبرگان در این باره،





برای او بودند و تقریباً تمام آن‌ها به نوعی در پیروزی انقلاب نقش داشتند و پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز با حضور در قوای سه گانه و نهادهای مختلف، مطیع و گوش به فرمان استاد خود بودند.

آیت‌الله خامنه‌ای در چنین شرایطی سکاندار کشتی انقلاب اسلامی شدند. رهبری جوان که عنوان «آیت‌اللهی» ایشان نیز در ابتدا با احتیاط به کار برده می‌شد. ایشان نه بنیانگذار انقلاب که یکی از مبارزان دوران انقلاب بودند. نظام استقرار یافته بود. اتهامات قانون اساسی در بازنگری حل شده بود و امور کشور می‌بایست از مجرای قانونی حل و فصل می‌شد. شاگردان امام که غالباً در اداره کشور نقش داشتند، هم‌دوره‌ای ایشان و بعضاً حتی بزرگ‌تر از ایشان بودند و کسانی که تا دیروز چه بسا با ایشان در مسائل کشور به نوعی در رقابت بودند، امروز باید از ایشان حرف‌شنوی می‌کردند. شاید از همین رو بود که ایشان در آن اجلاس تاریخی خبرگان و هنگامی که دیگران از جمله مرحوم آیت‌الله آذری قمی به ایشان اصرار می‌کردند و معظم له امتناع، خطاب به آیت‌الله آذری گفتند: آقای آذری! اگر من به عنوان رهبر انتخاب شوم، آیا شما حاضرید حرف‌ها و دستورات مرا گوش کنید؟ که البته مرحوم آذری پاسخ دادند: بله، من به عنوان وظیفه شرعی بر خود واجب می‌دانم که به دستورات شما عمل کنم.

محدودیت‌ها و موانع رهبر جدید انقلاب به این‌جا ختم نمی‌شد. شرایط کشور نیز تفاوت‌های اساسی کرده بود. جنگ تمام و دوران سازندگی، آغاز شده بود.

مطالبات مردم رو به افزایش بود، رقابت‌های سیاسی به تدریج وارد مرحله جدیدی می‌شد و جرب و شیرین‌های دنیاطلبانه، فضا را بر روحیه انقلابی و اصالت دادن به ارزش‌های انقلاب تنگ می‌کرد. در سطح منطقه نیز تحولات مهمی در شرف وقوع بود.

آری! حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در چنین شرایطی عهده‌دار رهبری انقلاب اسلامی شدند و امروز که از آن روزگار حدود دو دهه می‌گذرد، کشور با تدبیر و درایت ایشان اداره شده و اکنون جزو باثبات‌ترین، مقتدرترین، بانگیزه‌ترین و پیشرفته‌ترین کشورهای منطقه به شمار می‌آید.

امروز دیگر نه تنها از آن محدودیت‌ها اثری نیست، بلکه به اعتراف همه حتی جریان‌های سیاسی منتقد، آیت‌الله خامنه‌ای رهبر بلامنازع و بی‌بدیل انقلاب است.

و این تحقق همان وعده الهی است: «الله اعلم حیث یجعل رسالته؛ تنها خداوند می‌داند که مسئولیت رسالت دین خویش را به عهده چه کسانی قرار دهد.» (انعام، ۱۲۴)

منبع:

ویژه‌نامه تداوم آفتاب - مرداد ۱۳۸۷